



۲۰۱۵/۰۱/۰۲

میر عنایت الله آشفته

کشوری که جهان را دشمن خود می پندارد!

یا به عبارت دیگر نه کشورهای اسلامی و نه کشورهای غیر اسلامی را دوست خود می داند. به برداشت این قلم؛ چنین تصور؛ خود عدم استقلال فکری دولتمردان ما را برجسته می سازد. این کمتر از همه منحصیث یک فرد مستقل و غیر وابسته به تشکیلات ولی سخت باورمند به منافع علیای کشور و وحدت ملی، نقاط نظر خود را پس از ۱۰۰ روز خاموشی و انتظار مصلحت آمیز پس از تعیین حکومت دو منزله به نام وحدت ملی؟! ۵۰٪ بیان و راه بیرون رفت آن را به پیمانانه درک و فهم خود به زبان ساده و عام فهم دور از بکار بُرد اصطلاحات سیاسی و ایدیولوژی ها بیان می نمایم. ترجیح می دهم عام پسند برای نسل های بازمانده از احزاب متهم به خراب کاری، جوانان تحصیل یافته بالنده و آینده ساز کشور که در آتش جنگ و نفاق سیاست بازان معامله گر مورد سوء استفاده قرار می گیرند، خطاب نمایم. به گفته ابو سید ابوالخیر این حقیر، هیچ ابن هیچ منحصیث یک فرد قربانی شده و متعلق به نسل سوخته، فارغ از تعصب آنچه را عامل بدبختی می دانم، دقت بفر مائید بدون حُب و بُغض چه می نویسم.

در اثر قیام های کودتایی، زمینه اشغال کشور، توسط قوای شوروی مساعد گردید. قیام ملت مجاهد و آزادی خواه افغان به وسیله رقباء اشغالگر، به منظور شکست رقیب سیاسی شان مورد حمایت قرار گرفت و مردم مسلح شد. مهاجرت های اجباری ۵ تا ۶ میلیون آواره در دو کشور همسایه، صورت پذیرفت. ظهور و سقوط خون بار حکومتات ضد منافع ملی توسط عده ای از دست پروردگان بیرونی نوبت وار تا کنفرانس بن و بعد از آن با تدویر لویه جرگه های نمایشی و سه بار انتخابات جعلی در حضور قوای نظامی بیگانه، نه تنها باعث ختم جنگ نشد، بلکه تداوم جنگ، بی عدالتی، غصب قدرت به شکل یکجانبه و انحصاری به زور بیگانه، در اثرسازش ها و معامله گری در خطوط زد و بند های قومی، سمتی، زبانی، مذهبی و ایدیولوژیک، با وحشیانه ترین اشکال آن تا فعلاً ادامه دارد. به دوران رسیده ها نوبت وار مخالفین سیاسی خود را به زندانها، کشتارگاه ها، بمب باردها، تجاوزات ناموسی، غصب دارایی های عامه، انتحار، انفجار، ترور، اختطاف، فساد، قاچاقبری، جاسوسی، از خود کشی و بیگانه پرستی، خود را وطندوست و انقلابی و مخالف را وطن فروش و اشرار نامیدند.

خون میلوونها جوان شجاع و رشید وطن به نام کمونیست، اشرار و طالب ریخته شد. ثمره مقاومت و خون بچه غریب افغان با پول و امکانات رقبای شوروی جهان دو قطبی را به یک قطبی تبدیل نمود. عده ای از چپ و راست جهاد بر حق و آزادی بخش ملی را، به جیفه دنیایی تعویض و امروز به میلیونران؛ اما غلامان حلقه در گوش تبدیل شدند. نیروهای رسیده در قدرت اعم از رفقا، برادران مجاهدین، طالبان کرام و به اصطلاح تکنوکرات های بر گشته از غرب؛ مسؤول وضع موجود می باشند.

خواهر و برادر سوگوار: - تفکیک چهره های ظالم و مظلوم بدون محاکمه عادلانه؛ ما را به منزل مقصود که همانا صلح پایدار است نمی رساند. نادیده انگاشتن و اغماض نمودن مانع تأمین عدالت و اعاده صلح می گردد. کودتاچیان ما به نام کمونیست و ملحد، عالم دین ما به نام اخوانی و نوکر غربی، مجاهد ما به نام اشرار و شر و فساد و طالب العلم مدرسه ما به نام تروریست و القاعده متهم و قربانی شد. این قشر پیشتاز و علاقمند به سیاست، و چیز فهم جامعه ما که تعلیم یافته و تحصیل یافته پوهنتون، دارالعلوم، مکتب و مدرسه و تعالیم قرآنی در مساجد سر و کار داشتند و دارند؛ در واقع چشم و چراغ عوام الناس جامعه ما می باشند.

در کشمکش های شرق و غرب و استوار بر ایدیولوژی ها، منحصیث مجری برنامه های بیگانه و اعمال ضد منافع ملی، خود افغان ها نقش بسزای را با تأسف بازی نمودند. در یک کلام می خواهم بگویم، هر ستمی که بالای هموطنان مظلوم ما تحمیل گردیده است، پیش قراول و راه بلد آن افغان خود ما بوده است. از ماست که بر ماست! از بیگانه گلابه منطقی نمی باشد!

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

هموطن امید وار به صلح :- ما سال ۲۰۱۵ را آغاز نمودیم، به استقبال کدام آینده بهتر به پیش می رویم؟
ظاهراً ختم مأموریت جنگی نیرو های ناتو، خروج بخش اعظم قوای ائتلاف از کشور، اعلان بسته شدن زندان های
قوای خارجی در کشور و مسؤولیت پذیری قوای امنیتی افغان را گامی ولو کوچک؛ اما به طرف خود ارادیت ملی
ارزیابی کرده می توانیم.

یکبار دیگر به انسان آزادیخواه عدالت پسند، ما و جهان به اثبات رسید که تا ملت ها خود به شکل قانونمند آماده تغییر
آگاهانه نباشند، عوامل تصریح کننده یا بطنی کننده بیرونی ها که پیام آور منافع خود و دیگران می باشد به هیچ وجه
در دراز مدت نقش اساسی و تعیین کننده ایفا کرده نمی تواند.

تجارب تجاوز اشغال شوروی «پیمان نظامی وارسا» یا «پیمان نظامی ناتو» هر دو لشکر کشی و تجاوز بدون تائید
یا با تائید فیصله شواری امنیت ملل متحد، با پیش کش نمودن شعار های ظاهراً عوام پسند اما بی بنیاد به همکاری
عده ای از افراد و بخشی از احزاب سیاسی کشور، خوش آمدید گفته شد. و در خدمت گزاری دوستان شان، از هیچ
نوع جانفشانی و عرق ریزی دریغ نورزیدند و نمی ورزند.
اما گذشت زمان به تکرار گواه بر این بوده که ظهور و زوال چنین چهره های سمارق وار توسط ولینعمت شان، پس
از استفاده ابزاری؛ بسیار ارزان با نوکران تازه نفس دیگری تعویض و مبادله می گردد.

به باورم زمان آن فرا رسیده تا واضح و روشن بیان داریم که مردم و خاک افغانستان نباید قربانی سیاست های توسعه
طلبانه ای قدرت های جهان قرار گیرد. هم زمان شفاف و مسؤولانه بیان گردد که در عقب خواست های برحق و
آزادی خواهانه ملت افغان هیچ برنامه افراطی و تروریستی را ملت مسلمان و خدا شناس ما به نفع کشور و اسلام
عزیز نمی داند.

گمان دارم نقشه راه بیرون رفت و دریافت شیوه های مؤثر خنثی سازی دسایس را باید به اشتراک تمام نیرو های
وطن دوست ملت گرای مؤمن و متعهد، ترقیخواه، با تقوا و سنگر داران باورمند به افغانستان یک پارچه، یکجا
ریخت.

آموختن درس عبرت از اشتباهات و افتراق گذشته و تلاش به دست آوردن مجدد اعتماد و ایجاد لایه های هموایان
میلیونی هواداران نهضت ملی گرایانه و آزاد منشانه از دست رفته را باید با خون جگر دوباره احیا نمود. یعنی قبل
از هر اقدامی، کار برای بستر سازی، اعتماد، تحمل پذیری و ایجاد آدرس گفت و گو سیاسی را برای همه فرزندان
صدیق وطن به منظور رسیدن به تفاهم نسبی و وحدت ملی برای نجات کشور بوجود آوریم. درک این مسؤولیت
وظیفه افغان ها می باشد و نه خارجی ها!

این خواست بزرگ و افغانستان شمول در توان و صلاحیت یک شخص، یک سازمان، یک حزب، یک قوم، یک
سمت و یک مذهب نیست. این عمل وطن دوستانه، قبل از همه نیاز به شناخت ظالم و مظلوم دارد. چند ظالمی افراطی
اجیر برای منافع خود و بیگانه جنگ تحمیلی را ادامه می دهند و نمی خواهند ملت از چنین ذلالت و سیاه روزی نجات
یابد. اجاره داران داخلی و خارجی آرزو دارند در تداوم جنگ فرسایشی و نیابتی استخبارات منطقه ای و فرا منطقه
ای از کثیر القومی بودن، کثیرالزبانی بودن و کثیر المذهبی بودن ما سوء استفاده نمایند.

اشتراک افراطیون سایر کشورهای ذی نفع و ذی نفوذ در جنگ و حمایت از خارج سرحدات کشور، تعقیب آجدای
ضد منافع افغانستان تلقی می گردد. تداوم جنگ مجهول، مغلق و پیچیده که در آتیه تجزیه کشور و منطقه خواهد بود؛
به پیش برده میشود. این ندانمکاری سیاسیون ما است که ملل جهان را از دید دشمن یا منجی و ناجی ارزیابی می
نمایند. هر کشوری در جهان منجمله افغانستان از خود منافع دارد و روی منافع دراز مدت، حق انتخاب دوست و
دشمن را دارد. مردم ما شاهد است که سیاست مداران ما همه مشکلات و افتراق خود را حاصل کار بیگانه معرفی و
ناکامی و نافرمانی خویش را از دید و چشم بینا ای مردم روزگار دیده و با شعور ما بخصوص نسل جوان تعلیم یافته
و بزرگ شده در فضای جنگ، انتحار، انفجار، حقه بازی و شعبده بازی های ۱۳ سال گذشته پنهان می نمایند. نسل
جوان و مردم صلح طلب و ترقی خواه، نیک میدانند، کیها مسؤول اند.

صحبت های مسؤولین دولت دو منزله به اصطلاح وحدت ملی؟! آنچه را اظهار می دارند حقیقت نیست؛ بلکه اختلاف
عمیق در تقسیم قدرت و دیدگاه های متضاد و منافع شان، حقیقت است؛ که از اظهار عریان اش فعلاً عاجزاند.

اگرما آگاهانه یا نا آگاهانه به اعمال ضد منافع ملی و خدشه دار ساختن بیشتر وحدت ملی توجه نکنیم، دال بر نادانی ما خواهد بود که در تعصب کور گیریم، و تبهکارانه در صف ظالم و دشمن خاک ایستاده خواهیم بود. هموطنی سیاسی که از لحاظ فکر و اندیشه، آزاد منش، مستقل، ترقیخواه و مسؤول در برابر حرف خود نباشد، درد و معضله کشور را درک نکرده باشد، به دنبال حوادث جنجال آفرین که توسط حلقات خاص بیرونی و داخلی عمداً خلق می گردد؛ طرح مغرضانه آن در مباحثات سیاسی تلویزیون ها، جز جاق نمودن تضادها بین اقوام برادر و برابر ما حاصلی بیش نخواهد داشت.

گردانندگان برنامه های تلویزیون باید رسالت ملی خود را تشخیص نموده و از دعوت افراد اجبر و ماجراجو، جداً خود داری ورزند. آزادی بیان به هیچ عنوان تخریب دیوارهای اعتماد بین اقوام برادر و برابر کشور نمی باشد.

به استثنای داکتر رمضان بشردوست و چند وکیل انگشت شمار دیگر غاصبین امتیازبگیر پارلمان و تعدادی از تحلیل گران مزدبگیر سیاسی بدانند، که مهاجرین خارج از کشور، اگر مصروف سک شویی یا قاب شویی اند، به پول حق و حلال برای زندگی آبرومندانۀ زن و فرزند خویش مشغول کار های شاقه اند، داشتن پاسپورت دو تابعیت به هیچ عنوان باعث بریدن از وطن، از اسلام و از افغان بودن شان نیست.

هموطن هندو باور و سیکه ما، با افتخار خود را افغان معرفی میدارند. اما شما به اصطلاح تحلیل گران، مشکل فهم دارید، نمی خواهید بدانید یا به دستور دشمن وطن اجازه اظهارش را ندارید که: افغان = به پشتون نیست. بلکه هرکی از افغانستان است؛ افغان است.

پیشنهاد مشخص به هموطنان با رسالت و دلسوز وطن!

شما که تا امروز در سنگر مردم، آگاهانه باقی مانده اید و در دولت های تحمیلی سهمی نگرفته اید؛ صرف نظر از اینکه در گذشته به کدام یک از احزاب جهادی راست، چپ یا میانه سر و کاری داشته اید؛ اگر واقعاً دست شما به خون مردم، چپاول و غارت دارایی های عامه، قاچاقبری، جاسوسی، وطن فروشی آلوده نیست و اگر به داشتن قطعه خاکی به نام افغانستان یک پارچه باورمند هستید و اگر خود را مدیون و مقروض در برابر قطعه خاک و مردمش میدانید، زمان آن فرا رسیده است که: دست اتحاد و برادری برای بقاء خود، خانواده، هم شهری و هموطن خود، دراز نمائید. در غیر آن چه زود و چه دیر؛ فروخته شدگان اجانب با دامن زدن تفرقه افگنی های سمتی، قومی، زبانی، مذهبی به نام طالب و غالب، به نام با فرهنگ و بی فرهنگ، به نام پیشرونده و عقب گرا، به نام دوست کشور های غربی یا شرقی، کشور را به خواست و تأمین منافع خود و دیگران به طرف ملک الطوائفی و سقوط مواج می سازند.

هیچ کشوری از لحاظ نژادی، زبانی، قومی و مذهبی یک دست و یک پارچه نیست. نه ایران نه پاکستان و نه هیچ کشور دیگر. هموطن عزیز آیا اسلام به شما اجازه چنین فرقه سازی ها را میدهد؟ بخشیدن خط نام نهاد دیورند، جرکندن دلخواه به نفع پاکستان، حملات توپ خانه ای اردوی پاکستان در مناطق مختلف کشور، مداخلات ایران و دها تقابل متضاد قدرت های شرق و غرب در منطقه، تقسیم کشور ما در خطوط قومی راه حل نمی باشد؟ هیچ کشوری در جهان توسط خارجی خاص به رضای خدا آباد نگردیده و نمی گردد. حفظ خانه، ناموس و خاک وظیفه فرزندان خود یک کشوری باشد. ما، الحمدالله در تمام نقاط کشور چنین فرزندان فداکار و سربازان وطن را داریم.

ما مجبور و مکلف هستیم با وحدت خود در همسایگی ایران و پاکستان مستقلانه بر مبنای منافع ملی و دفاع از تمامیت ارضی خود زندگی نمائیم. افتراق ما باعث گردیده که دیگران از آدرس ما رقبای منطقه ای و جهانی خود را تهدید نمابند؛ این به نفع کشور ما نیست.

ما با تمام ضعف و کمبود های که داریم ناگزیر هستیم که بنام وطن واحد جمع و به یک تفاهم نسبی دست یابیم. فاصله بین خواستن و توانستن را باید در محاسبه داشت. از آسمان ملایک را منحیث افغان برای کار مشترک و میز مذاکره دعوت کرده نمی توانیم. بناءً از همه شخصیت های مطلوب و با دیانت، وطن دوست، آگاه، شایسته، پاک، با درایت، مؤمن و متعهد، آزادیخواه، ترقی پسند و عدالت خواه که در شرایط موجود بتوانند افغان های دلسوز به وطن را از قوه به فعل در آورند و تفاهم مشترک را بوجود آورده بتوانند، جهت نشست و ایجاد قوه مستقل از دولت در همکاری با سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن، برای قطع جنگ، قطع مداخله نظامی خارجی و زمینه ایجاد کابینه پاسخگو از شخصیت های کارآمد و نیک نام، وفادار به وطن و وحدت ملی مساعد گردانند.

کار مداوم و پیوسته برای وفاق ملی، نقش مدعیان وطن دوست رسالتمند و شخصیت های مستقل ملی با اندیشه و صاحب قلم، رادیو، تلویزیون، نهاد های جامعه مدنی، شبکه های اجتماعی، ملامام مسجد، استاد پوهنتون، محصل، معلم، طالب العلم مدرسه، قوماندان، افسروعسکر، مجاهد، طالب و همه اتباع کشور چه با سواد و چه فاقد سواد، که خود را متعلق به این خاک و فرزند این وطن میدانند، صرف نظر از اختلافات فکری مکلفیت ایمانی و وجدانی دارند تا در حفظ قطعه خاکی به نام افغانستان واحد بی تفاوت نباشند.

ملت بودن، ملت شدن و ملت سازی توسط فرمان دولت یا لشکر کشی ابر قدرت ها ممکن نیست. ملت محصول تکامل تاریخی و سطحی از رشد نظام اجتماعی است که در اثر رشد و بلوغ فکری و طی کردن مراحل تکامل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی بنابر مشترکات واحد، در یک جغرافیای واحد بوجود می آید و برای خواست ها و اهداف مشترک شان بسیج می شوند.

این جاست که مقوله های دولت ملی، حاکمیت ملی، استقلال ملی، امنیت ملی، فرهنگ ملی، وحدت ملی، اراده ملی، منافع ملی، اهداف ملی و سایر ارزش های ملی تعریف شده می تواند. ۱۳ جدی ۱۳۹۳

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ